



دو چرخه سوار محله بالاخیابان، معنی زندگی را در خلوت کوه یافته است

ناچیز شدن مشکلات در نوک قله

۳



سیاه پوشی ثامن در عزای فاطمی

در آستانه ایام فاطمیه و سالروز شهادت حضرت زهرا (س)، خیابان های منتهی به حرم مطهر رضوی با اجرای گسترده برنامه های فرهنگی و خدماتی در منطقه ثامن سیاه پوش شد. معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه ثامن با نصب ۴۵ سازه ۳ در ۶ متر برای اکران پارچه نوشته های متبرک به القاب و کنیه های حضرت زهرا (س) در خیابان های شهید نواب صفوی و آیت... شیرازی و نصب چهار صد پرچم سبز و مشکی و بیش از ۸ هزار متر ریسه مشکی، فضای معنوی ویژه ای را در مسیرهای منتهی به حرم مطهر ایجاد کرد. علاوه بر این، پانزده سازه خورشید نما با مضامین تسلیت ایام فاطمیه در خیابان های منطقه اکران شد.



شهر خبر



۲ گلیه کسبه بازارچه شهید آستانه پرست (حاج آقا جان) از ساخت و سازهای پیاپی

حفاری ها برای ما گران تمام می شود

۴ به همت معاونت فنی و عمران شهرداری منطقه ثامن و با پیگیری شهردار محله انجام شد

مرمت پیاده رو طبرسی در نیمروز

گلایه کسبه بازارچه شهید آستانه پرست (حاج آقاجان) از ساخت وسازهای پیاپی

حفاری ها برای ما گران تمام می شود



هم قدم

چند ردیف جورابی را که درویرترین چیده است، نشان می دهد و می گوید: ماسال های سال است از این بازار خرج خانه را می دهیم. خدا را خوش نمی آید که نادیده مان بگیرند.

● عملیات عمرانی قبل از اجرای گذر تشریف

رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ثامن با اشاره به اینکه پروژه گذر بازارچه شهید آستانه پرست تا پایان سال آغاز خواهد شد، می گوید: گذرهای تشریف یکی پس از دیگری در برنامه کاری مقرر دارد و سنگ فرش این بازارچه قدیمی نیز امسال انجام خواهد شد.

سید محمد حسین باغدار حسینی درباره حفاری های مکرر این بازار می گوید: باتوجه به اینکه بعد از احداث گذر تشریف، اجازه حفاری و اجرای عملیات را به سازمان های دیگر نمی دهیم، قبل از اجرا به دستگاه های خدمات رسان مانند اداره آب و گاز اعلام کردیم که هرگونه عملیاتی در این بازار دارند قبل از شروع پروژه انجام دهند.

باغدار ادامه می دهد: ماه قبل، پروژه کانال های سطحی بازار را اجرا کردیم و بعد از آن، اداره آب و فاضلاب، لوله کشی ها را انجام داد. اکنون نیز اداره گاز در حال اجرای نوسازی لوله کشی هاست که تا هفته آینده به پایان خواهد رسید.

او یادآوری می کند: از کسبه می خواهیم کمی صبور باشند تا پروژه گذر تشریف به نفع زائر و مجاور به ویژه کسبه و به نحو احسن اجرا شود.

اجاره و کسب و کارش است، با صدای بلند و عصبانی می گوید: ماه قبل آمدند زمین را کنند و چند روز، ما را از کار انداختند. گفتند مربوط به کانال های آب است. باز دو هفته قبل، یک گروه دیگر زمین را کردند و هنوز مشغول اند؛ می گویند از اداره گاز است. یعنی چه که هر روز یک اداره زمین را بکند و کسی بر کار آن ها نظارتی نداشته باشد؟!

صابر مصطفوی که در این بازار حجره کوچکی دارد، می گوید: در خیلی از بازارها مسیر زائر درست کرده اند؛ مثلاً عیدگاه یا نوغان را ببینید. مگر ما از آن ها چه کم داریم که به این بازار قدیمی رسیدگی نمی کنند؟ به نظر تان این زمین با آسفالت تکه پاره مناسب زائر و کسبه است؟

نجمه موسوی کاهانی اکسبه بازارچه شهید آستانه پرست با دیدن دستگاه حفاری، نگران کسب و کارشان شدند و با ما تماس گرفتند. وقتی در بازار با آن ها همراه شدیم، متوجه شدیم از حفاری و اجرای پروژه قبلی در این بازار قدیمی زمان زیادی نمی گذرد و این پروژه های پیاپی، آن ها را نگران کرده است که با کم شدن تعداد مشتری نتوانند اجاره های سنگینشان را بپردازند.

● خسارت هر روز تعطیلی سنگین است

یکی از کسبه قدیمی این بازار که چند باب مغازه اش را اجاره داده است، می گوید: بازارچه حاج آقاجان به خاطر نزدیک بودن به درودی حرم در سمت خیابان طبرسی از قدیم پررفت و آمد بوده است و پاخور زیادی دارد. به همین دلیل اجاره های زیاد است.

علی هاشمی ادامه می دهد: هر روزی که در این بازار کنده کاری راه بیندازند، به ضرر کاسب است و یک روز از درآمدش عقب می افتد. مشتری ما مشهورند مشهدی نیست که خریدش را از امروز به فردا بپوشاند. زائری که در روز اینجاست، اگر ببیند راه بسته یا نا هموار است، از مسیر دیگر می رود و از مغازه های آنجا خرید می کند.

● این بازار را هم ببینید

محمد اصغری، کاسب جوانی که نگران



ساکن قدیمی پایین خیابان از روزهایی می گوید که تأمین آب خانه، نیاز به زور بازو داشت

تین آب ۱۷ کیلویی!



صندوق خاطرات



● سقا شدن در نبود آب لوله کشی

در دوره کودکی خسروی راد، آب لوله کشی وجود نداشت و آب آشامیدنی محل از یک پی آب نزدیک محل فعلی شهرداری ثامن تأمین می شد. تأمین آب این طور بوده که سقاها آب را با دو تین هفده کیلویی، که با طناب به چوبی می بستند و روی دوش حمل می شد، به خانه ها می آوردند و دو ریال دریافت می کردند. او خاطره بازی می کند و به یاد می آورد که، هفته ای دوبار آب می آوردند و ما این مقدار آب را به یک خمره سفالی منتقل می کردیم تا حفظ شود. چهارده ساله بودم که خودم برای خانه آب می آوردم. مسیر پی آب تا خانه در حالت عادی کوتاه

سمیرا شاهیان اعلی اکبر خسروی راد از چهره های قدیمی و ریشه دار محله پایین خیابان است؛ محدوده ای که نه تنها محل تولد و رشد او بوده، بلکه زندگی اش تا امروز با همین خیابان ها و کوچه ها گره خورده است. او سال ها در اداره بهزیستی خدمت کرده و از سال ۹۱ و پس از بازنشستگی، به عنوان عضو شورای اجتماعی محله در پیگیری امور مردم فعالیت داشته است.

● کودکی و ورود به کفاشی

خسروی راد از شش سالگی وارد حرفه کفاشی شد و نخستین تجربه های کاری خود را در کارگاه محمد علی در بازار عباسقلی خان آغاز کرد. چند سال بعد، حدود ده سالگی، مادرش را از دست داد؛ اتفاقی تلخ که کودکی او را تحت تأثیر قرار داد. او درباره فعالیتش در کفاشی چنین می گوید: پدرم، ابوالقاسم که باغ دار و اهل روستای اردمه (نزدیک غار مغان) بود، من را به کارگاه کفاشی برد تا پیش یکی از اقوامان، محمد علی، شاگردی کنم. آن زمان، در طبقه سوم بازار عباسقلی خان، همه مشغول کفاشی بودند و من اولین تجربه هایم را در آن محیط به دست آوردم. با گذر زمان، او به بازار کفاش هارفت، بازاری که امروز دیگر وجود ندارد و جای خودش را به توسعه بخشی از صحن های حرم مطهر داده است.

● جوی پهن و آب تنی کودکان

این ساکن قدیمی پایین خیابان همچنین از جوی پهن و گودی یاد می کند که آب آن تا پایین خیابان امتداد داشته است و می گوید: بچه های عیدگاه برای بازی و آب تنی به آنجا می رفتند. آن زمان می گفتیم غطه می خورند. ولی من به دلیل حضور افراد ناباب، کمتر نزدیک می شدم و فقط از دور تماشا می کردم. یکی از خاطرات برجسته خسروی راد، سیل بزرگ مشهد است که در حدود ده سالگی تجربه کرده است؛ «آن سال هم مثل حالا باران زیاد نبود، ولی یک باره طوری بارید که سیل راه افتاد و خانه ها را سیل برد. خانه های زیادی در مشهد آسیب دیدند و فروریختند. خاطرم هست خانه همسایه های ما هم خراب شد و بندگان خدا اثاثیه شان را وسط حیاط خانه ما گذاشته بودند.»



● اخلاق، حرف اول کوهنوردی

چیزی که سید جواد رضوی را آزاری می‌دهد، تجاری شدن کوهنوردی است. او معتقد است کسب درآمد اخلاق را از کوهنوردی دور کرده است؛ یک کتاب دارم به اسم «هزار نکته کوهنوردی» که بیش از ۳۰ درصد نکات آن بحث اخلاق است. من این کتاب را بارها خوانده‌ام. اخلاق برخورد با طبیعت و محیط زیست حیوانات و حتی افرادی که به محیط زیست آن‌ها می‌رویم، آداب سفر و یادداشتن به حریم زندگی روستاییان و عشایر و احترام به تعصبات و عقاید آن‌ها، همه جزو نکات کوهنوردی است که در گذشته رعایت می‌شد، اما از زمانی که کسب درآمد از کوه شروع شد، بسیاری از این اخلاقیات هم نادیده گرفته شد.

از ناکوهنوردانی که عده زیادی را بدون رعایت شأن کوه با خود همراه می‌کنند، دل پردردی دارد می‌گوید: آخرین باری که به دماوند صعود کردم، سال ۱۳۹۶ بود که از جبهه شمالی رفتم. عده زیادی از جبهه جنوبی که مسیر آسانی دارد، تاقله آمده بودند و بسیاری از آن‌ها فرهنگ احترام به کوه را نمی‌دانستند. برای من کوه تقدس دارد و از همان زمان خودم را از رفتن به قله‌هایی مانند دماوند و علم کوه محروم کردم. زیرا کوه باید نفس بکشد. قله ظرفیت محدودی دارد و این حجم تردد روی کوه به آن آسیب می‌زند.

رضوی در رشته‌های ورزشی مختلفی فعالیت داشته است. مانند دوومیدانی، شنا و فوتبال، اما با توجه به اینکه اخلاق برای او حرف آخر می‌زند، کوه را انتخاب کرده است. خاطرات زیادی از کمک کردن در کوه دارد و معتقد است در کوه تعاون و همکاری رایج می‌گردد.

● سفر با دوچرخه، نگاه متفاوت به زندگی

وقتی که ورزش، اخلاق و مطالعه بخش اصلی زندگی‌ات را تشکیل دهد، مراودات هم با افرادی شکل می‌گیرد که هم فکر خودت هستند. سقاء رضوی در مسیر ورزش و کوهنوردی با دوستانی آشنا شده است که دوچرخه سوار بودند و او را به خرید دوچرخه ترغیب کردند: سال ۱۳۷۸ دوچرخه خریدم و به صورت هدفمند رکاب زدن را شروع کردم.

اما معنی دوچرخه سواری از زمانی برای او پررنگ شد که سفر با دوچرخه را آغاز کرد: سال ۱۳۹۴ با سفر با دوچرخه آشنا شدم. به تنهایی یا با گروه کوچک چهار نفره در جاده‌های مختلف کشور سفرهای زیادی رفتم. اما جاده‌های شمال و جاده‌های کویری را بیشتر دوست دارم. زیباترین سفری که رفته‌ام، زمانی بود که طول کویر لوت را رکاب زدم. به جرئت می‌گویم کسی که با دوچرخه سفر نکرده است، معنی سفر را درک نمی‌کند.



دوچرخه سوار محله بالاخیابان
معنی زندگی را در خلوت کوه یافته است

ناچیز شدن مشکلات در نوک قله

نجمه موسوی کاهانی اکوه و کتاب، دو مأمی بود که سید جواد از پنجاه سال پیش به آن‌ها پناه می‌برد. آن قدر خود را در این دو غرق کرد که سبک زندگی‌اش بر اساس مطالعه و کوهپیمایی شکل گرفت و هیچ روزی را بدون آن‌ها شب نمی‌کرد. بعد هادو چرخه را هم به صورت هدفمند به زندگی‌اش اضافه کرد و سفر و کوهپیمایی با دوچرخه بخش اصلی زندگی سید جواد سقاء رضوی شد.

این ساکن محله بالاخیابان که از کوه تا جنگل، از کویر تا ریگزار و قله تاقله را با دوچرخه زیر پا گذاشته، فلسفه زندگی را در کوچک شمردن دنیا از فراز قله‌ها پیدا کرده است. اکنون همسر و دخترش هم با او همراه شده‌اند.



● گذر کودکی در دل کوه

اصالتاً اهل طرقله است. تابستان‌ها که به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگش در طرقله می‌رفت، در هر فرصتی از کوه و تپه‌های اطراف بالامی‌رفت و تامل می‌توانست از آدم‌ها دور می‌شد. خودش تعریف می‌کند: دو چرخه‌ای داشتم که با آن بازی می‌کردم. در اوقات بیکاری هم می‌زدم به دل تپه و کوه. خط الرأس را می‌گرفتم و تاجایی که می‌توانستم، می‌رفتم. وقتی هم که در خانه بودم، خواندن کیهان بچه‌ها تنها سرگرمی‌ام بود. این کار خاص تابستان نبود و در بقیه سال هم به کوه می‌رفتم. خانه مان در کوهسنگی بود. مجله دانستنی‌ها را برمی‌داشتیم و می‌رفتم بالای کوهسنگی.

این مسیر برای سید جواد ادامه دارد و تقدیر هم او را به سمت کوه کشاند: دوره سربازی‌ام در محیط کوهستانی بود و از آن زمان رفتن به کوه به صورت منظم شروع شد. عادت کرده بودم صبح‌ها پیش از روشن شدن هوا بروم نوک قله و طلوع خورشید را از آن بالا ببینم؛ جایی که هم مادیات دنیا ناچیز بود و همه مشکلات، کوچک.

● عکس، یادگاری از سفر

فتح قله‌های ایران یکی پس از دیگری برای سید جواد رقم می‌خورد: دماوند، سیلان، تفتان، علم کوه و... چیزی که او هر بار بیشتر از قبل در کوه یاد می‌گرفت، استقامت، صبر و پایداری تا رسیدن به هدف بود: به کوهنوردی به چشم ورزش نگاه نمی‌کنم، بلکه برایم نوعی سبک زندگی است. به همین دلیل هیچ وقت دنبال دیده شدن نبوده‌ام. از کوه کسب درآمد نکردم و با خیلی از قله‌ها عکس هم نگرفته‌ام.

با خنده ادامه می‌دهد: آن زمان تفکر من این بود که می‌خواهم از مسیر لذت ببرم، اما الان که خاطره سفرهایم را با عکس‌ها مرور می‌کنم، پشیمانم که چرا از آن لحظات ناب عکسی را به یادگار ثبت نکرده‌ام و مثلاً از صعود به سیلان عکسی ندارم.

پوشه عکس‌هایش را زیر و رو می‌کند و با دیدن هر عکس یاد سختی‌ها و شیرینی‌های آن سفر می‌افتد: دایی‌ام خارج از ایران زندگی می‌کرد و دوربین‌های حرفه‌ای داشت. برادرم عکاسی را از او یاد گرفت و من هم تا حدودی از محمدرضا یاد گرفتم. دوربین‌هایی داشتیم که چاپ عکس‌هایش داخل ایران مقدور نبود.

با دیدن هر کدام داستانی برای تعریف کردن دارد: حتی عکس‌هایی که خودش در آن نیست: یک بار در سفر گروهی سه روز در جنگل بودیم و بیشتر از پانصد عکس گرفتیم، ولی وقتی برگشتیم، دیدم حتی در یک عکس خودم نبوده‌ام.

با دیدن بعضی عکس‌ها بیشتر درنگ می‌کند و می‌گوید: همه قله‌ها زیباست، اما قشنگ‌ترین قله‌ای که رفته‌ام، در قلعه موران استان گلستان بوده است.



● ترس‌های دنیا همه هیچ است

ترس برای سید جواد معنایی ندارد و هر بار از او می‌پرسند چطور تنها سفر می‌کنی، پاسخ می‌دهد: تنها نیستم، آن بالایی همراهم است: شب‌های احوال‌تپه‌ها به کوه می‌روم. یک سال یکی از دوستانم حال خوبی نداشت و با من همراه شد. رفتم قله و جوشن کبیر را از رادیو گوش کردیم و تاسحر بالا بودیم. دیدم حالش خوب نیست و به او گفتم: ببین همه مشکلات چقدر کوچک هستند؛ حتی شهر با همه داشته‌هایش چقدر ناچیز است.

چند عکس برفی نشان می‌دهد و می‌گوید: در زمستان که همه شهر زیر

برف پنهان شده است. دنیای متفاوتی را تجربه می‌کنید. انگار همه چیز دنیا هیچ است.

از زیبایی‌های مسیر که تادلتان بخواهد حرف دارد، اما چیزی که برایش جذاب است، مهمان‌نوازی مردم خطه‌های مختلف کشور است: بارها پیش آمده است که در جاده ماشین‌ها سرعشان را کم کرده‌اند و خدا قوت گفته‌اند و پرسیده‌اند که چیزی لازم داریم یا نه! در همان سفر شهداد به امامزاده‌ای رسیدیم که محلی‌ها وقتی دیدند ما پنج روز رکاب زده‌ایم، بی‌هیچ چشمداشتی از ما پذیرایی کردند. خوب به یاد دارم شب ولادت

رسول اکرم (ص) بود که به عروسی هم دعوت‌مان کردند. خاطراتی هم دارد از اینکه به دلیل سید بودن و مشهدی بودنش احترام خاصی برایش قائل شده‌اند: یک سال ماه رمضان در سفری که از دامغان برمی‌گشتیم، به شهر رامیان رسیدیم. وقتی متوجه شد‌ند مشهدی هستیم، به ما جادادند و برای افطار به مسجد دعوت شدیم. متوجه شدم مراسم عزاست. به صاحب عزافتیم همسر من خادم حرم است و امشب روبه‌روی ضریح برای مادر تان نماز و حشت می‌خواند. پسر جوان اشک می‌ریخت و می‌گفت آرزوی مادر من این بود که برایش در حرم امام رضا (ع) نماز بخوانند.



محلات منطقه‌ها

بالا خیابان، پایین خیابان



بازخورد

به همت معاونت فنی و عمران شهرداری منطقه ثامن
و با پیگیری شهرآرامحله انجام شد

مرمت پیاده‌رو طبرسی در نیم‌روز

موسوی ابه‌سازی و مرمت پیاده‌رو بولوار طبرسی یکی از مطالبات مردمی است که بارها در تماس‌های ۱۳۷ مطرح شد و مانیز در شهرآرامحله پیگیری آن بودیم. پیاده‌رو نبش طبرسی ۱۳ یکی از کوچه‌هایی بود که کهنه شدن آسفالتش باعث می‌شد مردم زمین بخورند و در روزهای شلوغی مشکل‌ساز می‌شد.

هفته گذشته، پس از شنیدن گلایه‌های مردمی، این موضوع را با معاونت فنی و عمران شهرداری منطقه ثامن مطرح کردیم که در مدت کمتر از ۲۴ ساعت پیاده‌رو آسفالت و مرمت شد. محسن پاشایی، یکی از اعضای شورای اجتماعی محله پایین خیابان که پیگیر رفع این مشکل بود، ضمن تشکر از شهرداری، گفت: این اقدام نمونه‌ای روشن از آن است که وقتی اهالی مطالبه‌گری را به روش درست دنبال کنند، مدیریت شهری با دغدغه و سرعت پای کار می‌آید و حل مشکلات ممکن و نزدیک می‌شود.



موسوی ابه‌سازی شهردار منطقه ثامن همراهی مردم با مدیریت شهری را مهم‌دانش و برای خدمت‌رسانی بهتر به فرهنگ‌سازی تأکید کرد. حسین عبدل‌زاده با اشاره به شمار زیاد زائر در دهه پایانی تابستان همچنین موج مسافرت‌های پایان تابستان بیان کرد: همکاران مادر بخش‌های مختلف شهرداری شبانه‌روزی کار بودند و هستند تا بتوانند بهترین فضا را برای زائران فراهم کنند، اما تا زمانی که همراهی مردم نباشد، این تلاش بی‌وقفه نتیجه بخش نخواهد بود.

شهردار منطقه ثامن ادامه داد: در بخش خدمات شهری بیش از پانصد نیرو مشغول فعالیت هستند، اما گاهی گزارش‌هایی به ما می‌رسد که کسبه یا هتل‌داران زباله‌هایشان را در کوچه و خیابان رها می‌کنند. بی‌آنکه توجه داشته باشند که رعایت نکردن بهداشت به کسب و کار خودشان نیز لطمه می‌زند.

وی افزود: ما بدون اغماض به متخلفانی که بهداشت عمومی را برهم‌زنند، اخطار می‌دهیم، اما اگر فرهنگ‌سازی به موقع و به اندازه کافی انجام شود، نیازی به صرف انرژی برای اخطار و پلمپ وجود ندارد.



تأکید شهردار منطقه ثامن
بر لزوم فرهنگ‌سازی

خدمت‌رسانی بهتر با همراهی مردم

صحن نو در دوره قاجار با اقتباس از صحن کهنه ساخته شد

آزادی، دومین صحن چهار ایوانی

نجمه موسوی کاهانی اصحن آزادی، دومین صحن تاریخی حرم، در شرق بقعه مطهر ساخته شده است. این صحن که به صحن نو یا جدید شهرت دارد، از بناهای دوره قاجار است که در زمان فتح‌علی شاه ساخته شده و نصب تزئیناتش تا دوره ناصرالدین شاه طول کشیده است. به همین دلیل، ایوان طلای آن به ایوان ناصری مشهور است. این صحن صاحب چهار ایوان است و مانند صحن کهنه ایوان طلا و برج ساعت دارد.

ایوان غربی یا ایوان طلا با تزئینات خاص از ورقه‌های مس که با آب طلا پوشیده شده و کاشی‌های ممتاز و کتیبه‌های زیبای طلایی‌اش مشهور است. ایوان شمالی نیز مشهور به تلگراف خانه، کاشی‌کاری‌های قدیمی خود را از دوران ناصری حفظ کرده است.



عکسی از سقاخانه صحن نو در سال ۱۳۰۰ قمری / عکاس: منوچهر خان عکاس باشی

در دوره قاجار سقاخانه‌ای شبیه سقاخانه اسماعیل طلایی در این صحن ساخته شد که میانه آن سنگابی وجود داشت، اما در سال ۱۲۷۱ شمسی، به دلیل اینکه سقاخانه مانع دیده شدن گنبد بود، آن را برداشتند و در اطراف سنگاب حوضی ایجاد و اطرافش را درخت‌کاری کردند. اکنون حوض مستطیل شکل زیبایی وسط صحن وجود دارد که سنگاب دوره قاجار در میان آن باقی است.



در دوره پهلوی دوم، در ایوان جنوبی صحن نو که در گذشته به ایوان آشپزخانه خدام مشهور بود، یک برج ساخته و ساعت قدیمی صحن کهنه به آنجا منتقل شد. به همین دلیل، به ایوان ساعت صحن نو مشهور است. در ایوان شرقی نیز کتیبه‌هایی وجود دارد که تزئیناتش جدید است. نمای بیرونی ایوان‌های شمالی، جنوبی و شرقی صحن نو، همه در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی کاشی‌کاری شده است و پیش از آن نمانده‌اند.